

دست‌نوشته‌های افیونی^۱

دکتر عادل بکری*

ترجمه: حسین علی‌نقیان**

چکیده

مخدّراتی همچون خشخاش و افیون در طبّ به کار می‌رفته و در انجام جرّاحی‌ها و تسکین دردهای شدید از آن استفاده می‌شده است. مواد مخدّر در بلاد عربی در روزگاری نسبتاً متأخّر شناخته شده و به نوشته برخی از منابع، استعمال آن در روزگار اسماعیلیّه شیوع یافت. استعمال حشیش در دوره‌های بعد به دلیل ترس از حکومت‌های حاکم و انتساب به فرقه‌های باطنی، به صورت مخفی و فردی بوده و این مورد، عدم تألیفات درباره حشیش و افیون را موجب شده است. در سده‌های متأخّر توجه بیشتر به نگارش برخی تألیفات درباره مخدّرات شده و آثاری پدید آمده، که در این گفتار به معرفّی چند اثر پرداخته شده است: زهر العریش فی احکام الحشیش؛ از بدرالدین محمد بن بهادر الزرکشی؛ قمع الواشین فی ذمّ الراشین؛ از نورالدین ابی‌الحسن مصری؛ رفع الاشتباک عن تناول التباک؛ از عبدالقادر بن محمد الحسینی الطبری؛ رساله فی تحریم الدخان؛ از ملّا عصام؛ الصلح بین الاخوان فی حکم اباحه الدخان؛ از عبدالغنی بن اسماعیل النابلسی؛ هدیه الاخوان فی شجرة الدخان؛ از سیدمحمّد مرتضی الحسینی زبیدی؛ صرف الريح التتن عن مستعمل التتن؛ از داود بن سلیمان بغدادی؛ رساله فی الدخان؛ از مؤلّفی ناشناخته.

کلید واژه: مخدّرات، حشاشین، مخطوطات افیونی.

مخدّراتی مانند خشخاش^۲ و افیون از قدیم‌ترین ایّام شناخته شده و در طبابت

** محقّق در زمینه موسیقی عربی.

** دانشجوی ارشد ادبیات عرب.

استفاده می‌شده است. اطباء مسلمان آنها را به عنوان مادهٔ مخدر در انجام جراحی‌ها و برای تسکین آلام شدید در حد وسیعی به کار می‌برده و در بیشتر کتب طبّی خود از آنها یاد کرده‌اند؛ هم‌چنین از آن به عنوان شربت و معجون استفاده می‌کرده‌اند. با وجود تألیفات بسیاری که عرب‌ها در موضوعات بزرگ و کوچک نگاشته‌اند، اما در این زمینه یک کتاب هم تألیف نکرده‌اند.

به نظر می‌رسد استعمال مواد مخدر، خارج از کاربرد طبّی آن نادر بوده است، به ویژه آن‌که این مواد در بلاد عربی در زمانی نسبتاً متأخر شناخته شد. این موضوع را ابن تیمیه تأیید کرده است؛ امامان اربعه^۲ از این مواد سخن نگفته‌اند، زیرا در زمان آنها موجود نبوده است. استعمال آن در زمان حشاشین شیوع یافت، یعنی همان فرقهٔ اسماعیلیه که در سرزمین ایران ظهور یافته و هدفشان حکمرانی بر بلاد اسلامی بود. آنها حشیش را به عنوان مواد مخدر و برای رسیدن به لذت‌های جسمانی به کار می‌بردند. کار این فرقه رو به وخامت نهاد و به دست مغول فرو پاشیدند و در نهایت توسط ممالک سرنگون شدند.^۴ استعمال حشیش بعد از این دوره به سبب ترس از حکومت‌های حاکم و نیز خوردن برچسب فرقه‌های باطنی^۵ به صورت فردی و مخفی بوده است و این باعث عدم نگارش تألیفات در موضوع افیون و حشیش بوده است. در حالی که هم‌زمان ده‌ها تصنیف درباره شراب و آداب و صناعت و اسامی آن و موضوعات پیرامون آن نگاشته می‌شده است، حتی قطعه‌ای ادبی یا شعری در مورد مخدرات نیز به ندرت یافت می‌شود، چه رسد به این‌که کتابی کامل از آن یافت نماییم. شاید توصیف ابن الوحید از حشیش از زمرهٔ اشعار نادر و شاید از قدیم‌ترین آداب آن در این موضوع به حساب آید. ابن الوحید همان کاتب ادیب، شرف‌الدین محمد بن الوحید دمشقی درگذشته سال ۵۷۱ هـ.ق / ۱۳۱۱ م است.^۶ وی در وصف حشیش می‌گوید:

و خضرء لا الحمراء تفعل فعلها لها و ثبات فی الحشاء و هی ثبات
تؤجج ناراً فی الحشاء و هی جنة و تبدی مریر الطعم و هی نبات^۷

از این توصیف بر می‌آید که او این ماده را استفاده می‌کرده و آن را بر خمر که با لفظ «حمراء» بدان اشاره کرده، ترجیح می‌داده است.

پس از این دوره و در قرون متأخر توجه بیشتری به نگارش برخی تألیفات در موضوع مخدرات گردید و هم‌اکنون بخشی از این تألیفات به شرح ذیل از آن دوران موجود است:

۱. زهر العریش فی احکام الحشیش: از بدرالدین محمد بن بهادر الزرکشی^۸ (متوفی ۷۹۴ هـ. ق / ۱۳۹۲ م).

این کتاب از قدیم‌ترین نسخه‌ها و آثار در موضوع حشیش^۹ به شمار می‌آید و آغاز آن این است:

أحمدالله علی إنعامه... و بعد فهذه فصول فی الکلام علی الحشیشه اقتضی الحال شرحها، فی اسمها و وقت ظهورها، و الأطباء یسمونها: القنب الهندی، و منهم من یسمیها ورق الشهدانج.

کتاب در مورد ضررهای حشیش و تأثیرات منفی آن بر عقل و جسم بحث نموده و حکم شرعی در تحریم آن را بیان داشته است. گزارشی از این اثر در کشف الظنون و تاریخ ادبیات بروکلیمان آمده است. نسخه‌ای از آن در الخزانة التیموریة در قاهره موجود است و کتابت آن به دست احمد بن محمد بن سالم رحبی در سال ۸۸۲ هـ. ق / ۱۴۷۷ م صورت گرفته است.

۲. قمع الواشین فی ذم الراشین: از نورالدین ابو الحسن علی، معروف به ابن الجزار المصری.

او تألیف کتاب را در سال ۹۸۴ ق / ۱۵۷۶ م به پایان برده است. این کتاب در مورد مضرات یکی دیگر از انواع مخدرات که به شکل معجون، آماده می‌شده و به آن «برش» می‌گفته‌اند، بحث نموده است. این معجون عطری از فلفل سفید (سبز) و فلفل سیاه و برگ‌های گیاه شاهدانه و تریاک و غیره درست می‌شده و با مایعی شیرین همچون عسل درآمیخته می‌شده است.

کتاب مشتمل بر دو باب است: باب اول در بیان تحریم استعمال آن سخن گفته و باب دوم به مواد تشکیل دهنده آن پرداخته است. در آغاز کتاب چنین آمده: «أحمدالله الذی حمی هذه الأمة من الخسف و المسخ و وقاها». نسخه‌ای خطی از این کتاب که تاریخ آن به ۱۰۵۴ ق / ۱۶۴۴ م می‌رسد، در خزانه تیموریه قاهره موجود است.

اما در مورد توتون باید گفت که نسبت به مواد مخدر در زمانی بسیار متأخرتر شناخته شده است. برگ‌های توتون در سال ۱۵۵۶ م. توسط دریانوردانی که از جزایر غربی هند می‌آمدند وارد اروپا شد. در آغاز، این ماده برای تزئین و نیز اهداف طبی

مصرف می‌شد و سپس در اروپا از سال ۱۵۸۶ م. استعمال آن به عنوان دخانیات گسترش یافت و از آنجا به مابقی کشورهای آسیایی و آفریقایی انتشار یافت. کشورهای عربی نیز پس از کشت آن در مصر برای اولین بار در سال ۱۵۸۹ م آن را شناختند. در این کشورها مردم با شک و احتیاط با آن برخورد و در مورد حکم شرعی آن و نیز حرمت یا حلیت و ضررها و فواید آن با هم اختلاف کردند، لذا کتب زیادی در این موضوع نگاشتند. این ماده از جهت ادبی بهترین بهره را به نسبت دیگر مخدراتی که بسیار کم در مورد آنها نوشتند، بُرد. هم اکنون نسخه‌هایی که به موضوع تدخین (استعمال توتون) پرداخته‌اند، موجود است، از جمله:

۱. رفع الاشتباک عن تناول التباک: از عبدالقادر بن محمد الحسینی الطبری متوفی به سال ۱۰۳۳ ق / ۱۶۲۴ م. در مقدمه کتاب گفته:

در این زمانها، گاهی یافته شده به نام تنباکو و به آن طابه و توتون نیز می‌گویند. این گیاه به اعتبار کشورهایی که می‌روید و یا رویانده می‌شود، انواع مختلفی دارد. طعم و رنگ و شکل آن نیز به همین دلیل، متفاوت است. در این کتاب درباره حکم شرعی استفاده از آن و نیز آرای فقها در تحلیل و تحریم آن بحث شده است. بروکلیمان از این کتاب یاد کرده است. نیز نسخه‌ای از آن در الخزانه التیموریه قاهره موجود است.

۲. رساله فی تحریم الدخان: از عبدالملک بن جمال‌الدین العصامی، معروف به ملا عصام، ۱^و متوفی سال ۱۰۳۷ ق / ۱۶۲۷ م. آغاز کتاب: «بسم‌الله‌العزیز‌الغفور‌الذی‌لاتخفی‌علیه‌خافیه». این کتاب در مورد دلایل تحریم استعمال دخانیات و اختلاف مردم در تحلیل و تحریم و کراهت آن بحث کرده است. تألیف این کتاب در ۱۹ رمضان سال ۱۰۳۵ ه. ق به پایان رسیده است. نسخه‌ای از آن در الخزانه التیموریه قاهره به خط عیسی بن محمد در سال ۱۳۰۵ ه. ق / ۱۸۸۸ م، موجود است.

۳. الصلح بين الاخوان في حكم إباحة الدخان: از عبدالغنی بن اسماعیل النابلسی^{۱۱} الصوفی الدمشقی، متوفی به سال ۱۱۴۳ ه. ق ۱۷۳۱ م.

مؤلف در این کتاب می‌کوشد، میزان هجمه‌ای را که در آن برهه بر ضد استعمال دخانیات برپا بوده، کاهش دهد و فواید مختلف آن را بیان نماید و این‌که مانعی شرعی در استعمال دخانیات وجود ندارد. وی در آغاز کتاب گفته:

سپاس خدای را که استعمال توتون را به جهت از بین بردن رطوبات زاید در اجسام، سودمند قرار داد.

نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه موزه عراق (= مکتبه المتحف العراقي) به شماره ۷۴۷ موجود است و تاریخ آن به سال ۱۱۵۰ ه. ق برمی‌گردد. این نسخه، استنساخی است از نسخه اصلی که به سال ۱۰۹۲ کتابت ه. ق شده است. این کتاب را بروکلیمان یاد کرده است.

۴. هدیة الاخوان فی شجرة الدخان: از سید محمد مرتضی الحسینی الزبیدی،^{۱۲} متوفی به سال ۱۲۰۵ ه. ق (۱۷۹۰ م).
آغاز آن:

أحمد لله ذي الفضل والإحسان... أما بعد فهذه نبذة صغيرة اسمها المعروف بين الأعيان، وما لها من الخواص و المنافع على ممر الزمان، وما لها من الحكم الشرعي في استعمالها عند فقهاء العصر و الاوان.

نسخه‌ای از آن در الخزانة التیموریة قاهره به کتابت عیسی بن محمد در سال ۱۲۹۵ ه. ق موجود است. وصف این کتاب در ایضاح المکون و تاریخ ادبیات بروکلیمان آمده است.

۵. صرف الريح التتن عن مستعمل التتن: از داود بن سلیمان البغدادی که نگارش این کتاب را در ۱۹ رجب سال ۱۲۷۳ ه. ق (۱۸۷۵ م) در بغداد به پایان رسانیده است. وی در آن، استعمال دخانیات را سخت نکوهش کرده است. آغاز کتاب چنین است: «أحمد لله الذي نزهنا من تتن التتن و قدره». یعنی سپاس خدای را که ما را از بوی متعفن توتون و آلودگی آن به دور داشت.

نسخه‌ای از این کتاب در الخزانة التیموریة قاهره موجود است.

۶. رسالة فی الدخان: مؤلف ناشناخته.

این رساله در مورد تحریم دخانیات و اثبات اقوال فقها در تحریم آن بحث کرده

است. آغاز آن:

إعلموا أيها الإخوان في الدين، الدخان حرام بنص القرآن لقوله تعالى: و يحرم عليكم الخبائث، لأنَّ الدخان خبيث.

نسخه‌ای از این رساله در مکتبه المتحف العراقي در بغداد به شماره ۴/۳۲۹ موجود است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. این مقاله، ترجمه‌ای است از مخطوطات عربیة عن المخدرات و التدخين، الدكتور عادل البكري، مجلة مجمع اللغة العربية بدمشق، المجلد الثامن و الاربعون، الجزء الاول.
۲. خشخاش: گیاه یک یا دو یا چند ساله از نوع پایاور (papaver) که اصلش از برّ قدیم است و برای گل‌های زیبای کم دوامش کاشته می‌شود. جنس مشهور آن کوکنار (p. somniferum) است که دارای شیرابه سفیدی است که در مجاورت هوا تیره می‌شود و آن را تریاک نامند. دایرة المعارف فارسی مصاحب، ص ۸۹۸ (م).
۳. منظور از امامان اربعه، همان مجتهدین چهارگانه اهل سنت (ابوحنیفه، مالک بن انس، شافعی و احمد بن حنبل) هستند. (م).
۴. اطلاق کلمه حشیش و حشاشین در مورد فرقه نزاری اسماعیلیه به ندرت در تألیفات مسلمانان به کار رفته و در متون اسماعیلی و منابع و مأخذ مهم اسلامی معاصر، استعمال واقعی حشیش به وسیله فدااییان اسماعیلی گزارش نشده است. تفصیل و کتاب‌شناسی مطلب را در: تاریخ و عقاید اسماعیلیه، دکتر فرهاد دفتری، ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای، نشر و پژوهش فرزانه روز، چاپ سوّم ۱۳۸۳، ص ۲۳ به بعد، ملاحظه فرمایید. (م).
۵. فرقه‌های باطنی: نامی که بالأخص به فرقه‌های اسماعیلیه و به طور کلی به بعضی از فرقه‌هایی که به قول خود به باطن کلام خدا توجه داشتند و معانی ظاهری را در مقابل معانی باطنی به چیزی نمی‌شمردند، اطلاق می‌شد... رک: دایرة المعارف فارسی، ص ۳۷۴ (م).
۶. او محمد بن شریف بن یوسف معروف به ابن الوحید، ادیب، شاعر، کاتب، خطاط است. در دمشق تولّد یافت و در عراق شاگرد یاقوت مستعصمی شد. از تألیفات او: شرح القصيدة الرائية في علم الخط المنسوبة لابن البوّاب، و سرد اللام في معنى لامية العجم است (کحاله: معجم المؤلفين ۶۸/۱۰) (م).
۷. معنا: خضرائی است که اثرش مانند حمراء (شراب) است. درون را به خروش می‌آورد و حال آن که ثابت است. بهشت است و آتش در دل می‌افکند؛ نبات است و طعمی تلخ دارد.
۸. او محمد بن بهادر بن عبدالله مصری زرکشی شافعی، فقیه، اصولی، محدث، ادیب و ترکی الاصل است. مولدش مصر بوده و از جمال الدین اسنوی و سراج الدین بلقینی درس آموخت. از تألیفاتش: البحر في اصول الفقه (در ۳ جلد)، شرح التنبيه للشيرازي في فروع الفقه الشافعي، شرح جمع الجوامع للسبكي، شرح علوم الحديث لابن الصلاح، لقطة العجلان و بلة الضمان. (معجم المؤلفين ۹/ ۱۲۱ - ۱۲۲). (م).

۹. حشیش، ماده مخدر و سمی مستخرج از شاهدانه، مصریان و هندیان و یونانیان از ایام بسیار قدیم شاهدانه معمولی را می‌شناختند، ولی اول بار هرودوت از خواص مخدر آن نام می‌برد. دیوسکوریدس آن را به عنوان دارو ذکر می‌کند و افراط آن را سبب نازایی می‌داند. اطباء قدیم عرب و ایرانی گفته‌اند او را تکرار کرده‌اند و این گیاه و خاصه دانه آن را به نام‌های قنب و شاهدانج خوانده‌اند. نخستین طبیعی که خواص سمی قنب هندی (شاهدانه معمولی) را توصیف کرده است ابن البیطار (قرن ۷ ه. ق) است. به قول وی کشت آن در مصر معمول بوده است، و در آنجا حشیشه (عربی = گیاه) خوانده می‌شده است. حشیش از برگ گیاه تهیه و به صورت گرد و حب استعمال می‌شد و ابن البیطار از کشیدن حشیش به صورت دود اسم نمی‌برد، ولی کشیدن آن در مشرق زمین بر کشیدن توتون مقدم بوده است. در سوریه و آسیای صغیر و عراق حشیش را می‌خوردند. در ایران استعمال حشیش ظاهراً از قرن ۳ ه. ق نزد اسماعیلیه رایج بوده است، و به قولی در قرن ۶ ه. ق به وسیله یکی از اسماعیلیان به نام شیخ حیدر به ایران شرقی راه یافت، اگر چه بر طبق روایت دیگر، حشیش از هند به ایران و عراق و حتی یمن راه یافته بود و در زمان خسرو پرویز در ایران استعمال می‌شد [...] از دایرة المعارف مصاحب، ص ۸۵۴ (م).
۱۰. عالمی نحوی که در بلاغت، عروض، منطق، اصول و... دست داشت. در مکه به دنیا آمد و در مدینه وفات یافت. از تألیفات بسیار او: شرح الشذور لابن هشام، شرح الارشاد و هر دو در نحو، شرح علی منظومة الشمی فی اصول الحدیث، بلوغ الارب من کلام العرب، تسهیل العروض الی علم العروض. (معجم المؤلفین ۱۸۱/۶) (م).
۱۱. دانشمند ادیب، نویسنده، شاعر، صوفی که در انواع علوم دست داشت. در دمشق تولد یافت و به بغداد کوچید... از تصانیف بسیار او: الحقیقة و المجاز فی رحلة بلاد الشام و مصر و الحجاز، الدواوین الثلاثة، جواهر النصوص فی حل کلمات القصوص لابن عربی، مجموعة فتاوی فی الفقه الحنفی، تعطیر الانام فی تعبیر المنام. (معجم المؤلفین ۵/ ۲۷۱) م.
۱۲. ابن زبیدی همان مؤلف کتاب پرآوازه: تاج العروس من جواهر القاموس است. شرح حال و آثار او را در معجم المؤلفین ۱۱/ ۲۸۲ ملاحظه فرمایید. (م).